

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## پاسخ به انتقادات ملحدین پیرامون مقاله‌ی

«جواز چشم‌چرانی در اسلام!»

تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»

## پاسخ به انتقادات ملحدین پیرامون مقاله‌ی

«جواز چشم‌چرانی در اسلام!»

تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»



[no-atheism.net](http://no-atheism.net)

[no\\_atheism](#)

[fb/islamway1434](#)

[no\\_atheism](#)

[EI aparat/asteira](#)



[no-atheism.net](http://no-atheism.net)

[no\\_atheism](#)

[fb/islamway1434](#)

[no\\_atheism](#)

[EI aparat/asteira](#)

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله وصحبه أجمعين. أما بعد:

شبهه‌ای با عنوان «جواز چشم‌چرانی توسط پیامبر اسلام!» توسط کانال‌های الحادی منتشر شده بود که در مقاله‌ای که با کلیک در [اینجا](#) می‌توانید آن را دریافت کنید، به طور کامل پاسخ داده شد و به فضل خداوند مقاله‌ی نوشته شده با آن که مختصر و کوتاه بود، از جوانب مختلف به شبهه پاسخ داده بود و کانال‌های الحادی بنا بر عادت‌ی که داشته و دارند، نتوانستند کوچک‌ترین نقد علمی به آن داشته باشند، و یکی از کانال‌های معاند به جای آن که به مقاله‌ی ما پاسخ دهد، تنها شبهه‌ای دیگر (که بی‌ارتباط به موضوع هستند) را از وب‌سایت‌های فاسد کپی کرده‌اند و این چیزی جز تقلید کورکورانه‌ای نیست که خود را مخالف آن نشان می‌دهند، زیرا در ترجمه‌ی روایات هم از ذهن خود استفاده نکرده‌اند و عیناً مطالب را با مصادر و ترجمه‌ها در مقاله‌ی خود آورده‌اند!

### آن چه در قسمت قبلی گذشت...

خداوند در قرآن کریم از آن چه معترض «چشم‌چرانی» نامیده، نهی کرده و فرموده است: **قُلْ** **لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُونَ فُرُوجَهُمْ<sup>۱</sup>**، یعنی: «به مؤمنان بگو که چشمان خود را فرو گیرند، و عورت‌های‌شان را [از فحشاء] مصون دارند.»

همچنین در حدیثی آمده است که پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «از نشستن در راه‌ها خودداری کنید!» و مخاطبین گفتند که گاهی چاره‌ای نداریم، ایشان در پاسخ فرمودند: «پس باید حق راه را رعایت کنید!»، پرسیده شد که حق راه چیست؟ فرمودند: «حفظ کردن چشم‌ها، آزارنرساندن به دیگران، پاسخ به سلام، امر به معروف و نهی از منکر.»<sup>۲</sup> در حدیث دیگری نیز آمده است که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) نگاه به نامحرم را «زناى چشم» خوانده‌اند<sup>۳</sup>، حال خود بگویید: آیا معاندین جانب انصاف را رها نکرده‌اند؟! جالب است در آن صفحه از «نهج الفصاحة»، حدیثی قبل از حدیث مورد ذکر نقل شده که می‌گوید: «نگاه بد، تیری زهرآگین از تیرهای شیطان است!»<sup>۴</sup>، آیا اینان دورترین مردمان از راستی

۱. النور، آیه‌ی ۳۰

۲. امام بخاری (۲۴۶۵) و امام مسلم (۲۱۲۱) آن را روایت کرده‌اند.

۳. امام بخاری (۶۳۴۳) و امام مسلم (۲۶۵۷) آن را روایت کرده‌اند.

۴. حاکم آن را در مستدرک (۴/۳۴۹) آورده و اسنادش را تصحیح کرده، اما علامه البانی آن را در سلسله الأحادیث الضعیفة (۳/۱۷۷) تضعیف کرده است، و ابن کثیر دمشقی شبهه آن را در تفسیر خود (۶/۴۲) به سلف نسبت داده است، بنابراین مرفوعاً به صحت نرسیده، اگرچه معنایش صحیح بوده و احادیث دیگر بر درستی معنایش شهادت می‌دهند.

و عدالت و انصاف نیستند که حدیث پیش از آن را نادیده گرفته‌اند؟! و آیا کسانی که با اینان فریب خورده و به کفر خود مغرور شده‌اند، این حدیث را نمی‌بینند؟!

### رکاکت الحاد در الفاظ و معنا

یکی از معترضین به «رد شبهات ملحدین»، با غایت رکاکت از در «نمی‌خواهم بفهمم!» داخل شده و می‌نویسد: **«یکی از داعشیه‌ها اومده یک سیاه مشقی نوشته در نقد حدیثی از نهج الفصاحه و بیان کرده چشم‌چرانی در اسلام وجود نداره. متأسفانه این نویسنده بدون کوچک‌ترین اطلاعی از احادیث کتب حدیثی این اباطیل را سروده است.»**

**پاسخ:** چنین ادبیات و نوشتاری بیش از آن‌که متناسب با فردی مدعی تحقیق و مطالعه باشد، به سخنان ولگردی که تا به حال کتابی نخوانده شبیه است؛ رکاکت الفاظ و عبارات نشان می‌دهد که مدعی، «نویسنده» یا «محقق» نبوده و این القاب، لباسی گشاد است که به قامت نزار دعوتگران الحادی سزاوار نمی‌آید! حال جالب آن است که ادعای «اطلاع از کتب حدیثی» کرده، اما مطالبی که آورده، تماماً کپی عینی از سایت‌های اینترنتی معاند است! جالب‌تر هم آن است که حتی یک سطر در نقد آن‌چه نوشته‌ایم با خود نداشته، و این سکوتش حمل بر تصدیق مقاله‌ی «رد شبهات ملحدین» و قبول ساختگی بودن حدیثی که پاسخ داده شد، می‌شود.

### شبهه: صحابه در میان نماز، زنان را دید می‌زدند!\*

**پاسخ مختصر رد شبهات ملحدین:** معترض حدیثی را آورده که در آن آمده است: زنی نیکو صورت پشت رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) نماز می‌خواند، بنابراین بعضی از مردم جلو می‌رفتند تا چشمشان به او نیفتد، و بعضی در صفوف پشتی بودند تا او را ببینند! سپس از این استدلال کرده که ما از کتب حدیثی مطلع نیستیم و اسلام چشم‌چرانی را تقریر کرده است، اما این مدرک نادانی اوست:

**اولاً.** در حدیث آمده که گروهی به صفوف جلو می‌رفته‌اند تا آن زن را نبینند، پس مدعی خدانا باور، خرد و یا انصافش را باخته است؛ اگر به پشت رفتن گروهی از مردم دلیل تأیید چشم‌چرانی توسط اسلام باشد، چرا جلورفتن آن گروه دیگر، دلالت بر ناشایست‌بودنش در اسلام نکند؟! پس این حدیث نه تنها چیزی برای خدانا باوران به ارمغان نمی‌آورد، بر اساس استدلالی که داشته‌اند، دلیلی بر علیه خود آن‌ها به شمار می‌رود!

**ثانیاً.** اگر فرضاً این کار را بزرگان صحابه هم مرتکب شده بودند (که در ادامه حقیقت امر آشکار خواهد شد)، ارتباطی به اثبات حکم شرعی نمی‌داشت، زیرا «چشم‌چرانی» که ملحد عنوان کرده،

۵. دریافتیم که شیخ فاضل محمد صالح المنجد به شبهه‌ی مذکور پاسخ کاملی داده که به نقل آن با تصرف می‌پردازیم، خداوند به ایشان پاداش خیر دهد.

بر اساس نصوص صریح کتاب و سنت ناجائز است و این کتاب و سنت است که بر صحابه حجت و قاضی است، نه آن‌که فعل صحابه بر آن دو قاضی باشد!<sup>۶</sup>

**پاسخ از شیخ محمد صالح المنجد:** اگرچه گروهی از اهل علم این حدیث را تصحیح کرده‌اند، اما در مقابل بسیاری از علماء آن را «معلول» شمرده‌اند، و امام ترمذی آن را معلول به «ارسال» دانسته، و حافظ ابو نعیم در حلیۃ الأولیاء (۳/۸۱) می‌گوید: «از حدیث أبی الجوزاء از ابن عباس غریب به شمار می‌آید و نوح بن قیس به تنهایی آن را به طور مرفوع نقل کرده است.» امام قرطبی نیز در تفسیرش (۱۰/۱۹) می‌گوید: «از أبی الجوزاء نقل شده و ابن عباس مذکور نیست، و این [انتهای سند به أبی الجوزاء] صحیح‌تر است.»

حافظ ابن کثیر نیز در تفسیرش (۴/۵۳۲) می‌گوید: «در این حدیث نکارت شدیدی است؛ عبد الرزاق صنعانی آن را از جعفر بن سلیمان، از عمرو بن مالک نکری آورده که او از أبی الجوزاء شنیده است... پس ظاهر آن است که این تنها کلام أبی الجوزاء باشد و ذکر از ابن عباس در سند نیامده، و ترمذی نیز فرموده که ظاهرتر آن است که این از روایت نوح بن قیس باشد [که متفرد شده است] و خداوند دانای‌تر است.»

در تحفة الأحوذی نیز آمده که «ظاهرتر آن است که این تنها قول أبی الجوزاء باشد [و به طبقه صحابی نرسد].»

همچنین محققین مسند أحمد گفته‌اند: «اسناد این روایت ضعیف و متنش منکر است.» بنابراین راجح آن است که این حدیث ضعیف است و به صحت نمی‌رسد.

اما بر فرض آن‌که روایت صحیح باشد: از کجا معلوم که اینان صحابی بوده‌اند؟ شاید این‌ها منافقین بوده باشند و معلوم است که منافقین در ظاهر مسلمان بوده‌اند و باطناً اعتقادی به حقانیت اسلام نداشته‌اند! همچنین باید گفت که صحابه از نظر تقدم در یک جایگاه نبوده‌اند و ممکن است این افراد که در حدیث ذکر شده، گروهی نواسلام بوده باشند که احکام اسلام در قلبشان رسوخ آن‌چنانی پیدا نکرده بوده و این چیز عجیبی نیست، جای تعجب ندارد که فردی اسلام را بپذیرد و تا مدت‌ها بعضی افکار از فکر سابقش در ذهنش مانده باشد. شیخ البانی در این باره، در السلسلة الصحيحة (۵/۶۱۲) می‌گوید: «چه مانعی است که این‌ها منافقینی بوده باشند که ایمان را آشکار و کفر را مخفی می‌کرده‌اند؟ و بلکه چه مانعی وجود دارد که بگوییم اینان کسانی بودند که تازه به اسلام داخل شده و هنوز به تهذیب و پاکسازی اسلام، مذهب، و به ادبش متأدب نشده بودند؟»

۶. این پاسخ مختصر ماست و جزء نوشتار شیخ محمد صالح المنجد نیست.

### شبهه: پیامبر اسلام، زنی نامحرم را لمس کرده است!

انس می‌گوید: زنی نزد پیامبر آمد و گفت: به صورت من دست بکش و دعا کن برای من نزد خدا پس رسول خدا مسح کرد صورت وی را و برایش دعا کرد زن گفت یا رسول الله دست خود را پایین تر بکش پس پیامبر دست خودش را به سینه اش کشید دوباره گفت: دست خود را پایین تر بکش پیامبر اباء کرد و او را از خودش دور کرد.

**پاسخ مختصر رد شبهات ملحدین:** این مطلب ابداً ارتباطی به مقاله‌ی سابق ما ندارد و به قول یکی از برادران، «بارکشی» دیگری از این کانال الحادی است. موضوع مقاله بررسی یکی از احادیث مورد استناد شبهه‌پردازان درباره‌ی نگاه به نامحرم بود و این روایت ارتباطی به آنچه سابقاً آورده‌ایم ندارد، اگرچه سنداً ضعیف و متناً نکارت شدیدی دارد.

**پاسخ مفصل از استاد أبو عمر الباحت:** علت روایت، حنظله بن عبد الله بصری سدوسی است. امام أبو الحجاج مزی می‌نویسد: «علی بن المدینی گفت: از یحیی بن سعید شنیدم که حنظله را ذکر کرد و گفت او را دیده‌ام و روایتش را عمداً ترک کردم. به یحیی گفتم: آیا دچار اختلاط شده بود؟ گفت آری! همچنین أبو الحسن میمونی از أحمد بن حنبل نقل می‌کند که فرموده است: حنظله ضعیف الحدیث است. أبو بکر أئرم می‌گوید: از أبا عبید الله درباره او پرسیدم، که نامش را با مد گفت (حنظلة) و سپس فرمود: او منکر الحدیث است! صالح بن أحمد بن حنبل نیز از پدرش روایت کرده: او ضعیف الحدیث است. در روایت عباس الدوري از یحیی بن معین نیز نقل شده که گفت: در آخر عمرش دچار اختلاط شده است و در روایت ابن أبی خثیمه آمده است: ضعیف. همچنین نسائی او را تضعیف کرده است.»

بنابراین حنظله ضعیف بوده و نیز دچار اختلاط شده است و حدیثش پذیرفته نمی‌شود، در نتیجه روایت از نظر اسناد ساقط است.

### محققین نیز بر این روایت، حکم ضعف داده‌اند:

۱. شیخ حسین سلیم أسد می‌گوید: «به دلیل ضعف حنظله، اسنادش ضعیف است.»<sup>۷</sup>
۲. شیخ نبیل سعد الدین جرار می‌گوید: «أبو یعلی آن را از طریق إسحاق بن أبی اسرائیل نقل کرده و حنظله ضعیف است.»<sup>۸</sup>
۳. شیخ محمد بن ظاهر الشهري می‌گوید: «به دلیل ضعف حنظله، ضعیف است.»<sup>۹</sup>
۴. شیخ أبو تمیم یاسر ابن إبراهیم می‌گوید: «به گفته‌ی امام احمد، حنظله از أنس احادیث منکری دارد، و در روایت أئرم از او آمده است: منکر الحدیث است و نسائی و

۷. مسند أبی یعلی، دار المأمون، ج ۷، ص ۲۷۰

۸. فوائد ابن أخي میمی الدقاق، أضواء السلف، ص ۲۶۲

۹. المطالب العالیة، دار العاصمة، ج ۱۵، ص ۶۱۶

ابن معین او را تضعیف کرده‌اند، و ابن معین در روایتی دیگر می‌گوید: لیس حدیثه بشیء.<sup>۱۰</sup>

۵. شیخ سید کسروی حسن نیز می‌گوید: «اسناد این حدیث ضعیف است.»<sup>۱۱</sup>

#### همچنین سنت صحیح این روایت را رد می‌کند!

نزد ما مسلمانان با دلائل قطعی الثبوت، ثابت گشته و جای هیچ شکی ندارد که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) هرگز زن نامحرمی را لمس نکرده‌اند. برای مثال در صحیح بخاری آمده است: «آنگاه که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) با زنان بیعت کرد، به آنان گفت: بازگردید که با شما بیعت کردم! عائشه (رضی الله عنها) فرمود: خیر، به خدا سوگند که دست رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) دست هیچ زنی را در آنجا لمس نکرد، مگر آن‌که با کلام با آنان بیعت کرد...»<sup>۱۲</sup> و در حدیثی آمده است که فرمودند: «من با زنان دست نمی‌دهم!»<sup>۱۳</sup> حال زمانی که ایشان، دست‌دادن با زنان نامحرم را هم ناشایست بدانند، به طریق اولی بیش از آن را هم ناشایست‌تر می‌دانند و مرتکب آن نمی‌شوند.

#### شبهه: پیامبر اسلام، زنی را می‌بیند و سپس نزد زینب می‌رود تا با او همبستر شود!

از جابر نقل شده که پیامبر زنی را می‌بیند که بعد از آن پیامبر نزد همسرش زینب می‌آید که در حال دباغی بود سپس با اون نزدیکی میکند!

**پاسخ مختصر رد شبهات ملحدین:** ملحدین که هیچ دلیلی برای نگاه نکردن به زنان به قصد لذت ندارند، بین نگاه‌کردنی که به قصد باشد، و نگاهی که تصادفی باشد فرقی قائل نشده‌اند، درحالی که دیدن نامحرم در صورتی که به صورت تصادفی باشد و فرد رویش را برگرداند، اشکالی ندارد، زیرا عادتاً ممکن نیست فردی این امر را کنترل کند و خواه‌ناخواه چشمش به زنی خواهد افتاد. همچنین همبستری با همسر اشکالی ندارد، چه شده که خدانا باوران که محارمی نیز برای خویش نمی‌شناسند، همبستری با همسر را نکوهش می‌کنند؟!

**شیخ محمد صالح المنجد پس از بحث در معنای حدیث و اثبات این‌که طعنی به پیامبر (صلی الله علیه وسلم) وارد نمی‌شود، می‌فرماید:** اگرچه بعضی علماء این حدیث را تصحیح کرده‌اند، اما صحتش جای بحث دارد، و بسیاری از محدثین گفته‌اند که چنین چیزی واقع نشده، بلکه برای صحابی که آن را روایت کرده اتفاق افتاده و روات در نسبت‌دادنش به پیامبر (صلی الله علیه وسلم) به جای آن صحابی، اشتباه کرده‌اند و این در علم حدیث به «تعلیل مرفوع به موقوف»

۱۰. إتحاف الخيرة المهرة، دار الوطن، ج ۶، ص ۴۷۱

۱۱. المقصد العلي في زوائد أبي يعلى الموصلي، دار الكتب العلمية، ج ۴، ص ۳۵۴

۱۲. امام بخاری آن را در صحیحش (۵۲۸۸) روایت کرده است.

۱۳. السلسلة الصحيحة، مكتبة المعارف، ج ۲، ص ۶۳

نامیده می‌شود که باب مهمی از ابواب وقوع خلل در روایات و احادیث است، همانطور که در روایات صحیح دیگر تنها به عبارت «اگر کسی به زنی نگاه کرد و در قلبش چیزی افتاد، نزد همسرش رفته و با او همبستر شود تا آنچه در قلب داشته را از بین ببرد.» بسنده شده و حادثه‌ی مذکور در آن نیامده است، و این خود موجب شک در حصولش می‌گردد.

روایت به دو وجه روایت شده که زیاده در وجه اول موجود و در دومی مفقود است؛ این حدیث توسط شش نفر از شاگردان اُبی زبیر روایت شده که چهار نفر از ایشان زیاده را نیاورده‌اند، اما تنها دو نفر از ایشان زیاده را روایت کرده‌اند که یکی از آن دو (یعنی حرب بن اُبی العالیة) ضعیف است.

همچنین شک به دو علت دیگر نیز افزوده می‌شود:

۱. شبهه انقطاع بین اُبی زبیر از جابر

۲. ارسال

خلاصه صحیح‌تر آن است که نسبت این حادثه به پیامبر (صلی الله علیه وسلم) به ثبوت نمی‌رسد و آن که امام مسلم آن را در صحیحش آورده تنها ثبوت اصل حدیث را ثابت می‌کند که جزء قولی حدیث است، برای همین وجه دیگر را نیز با آن نقل کرده، اما تصحیح تمام سیاق و سبب که در روایت حرب و هشام آمده، چنین چیزی در منهج امام مسلم لازم نیست.<sup>۱۴</sup>

### **شبهه: شیخ البانی گفته است که زنان انبیاء از زنا معصوم نیستند!**

**پاسخ:** اگر همین شبهه را در مقاله می‌نوشتیم و حتی به آن پاسخ نمی‌دادیم، حماقت و در یوزگی ملحدین را اثبات می‌کرد؛ این مطلب چه از دور، و چه از نزدیک، با مقاله‌ای که توسط رد شبهات ملحدین منتشر شده بود بی‌ارتباط است و از علائم عجز منتقد آن است که به جای نقد مطلب خصم، به ذکر شبهات دیگر بپردازد، همانطور که دشمنان و منتقدین خدانا‌باور ما چنین عاجز شده‌اند و بدون این که حتی یک حرف از حروف مقاله‌ی ما را به میدان نقد بکشند، تنها شبهاتی دیگر را بر دوش کشیده و مطرح کرده‌اند!

در کلام شیخ ناصر الدین البانی اشکالی نیست که ملحد مسکین به آن متمسک گردد، زیرا نفی عصمت از فعلی، موجب اثبات وقوعش نمی‌شود و میلیاردها مسلمان در طول تاریخ زیسته‌اند و از زنا معصوم نبوده‌اند، و چه بسا هرگز مرتکب آن نشده باشند! پس خدانا‌باور

۱۴. مقاله‌ی شیخ با اختصار به فارسی ترجمه شده، زیرا دقایق و جزئیاتی علمی را مطرح کرده که شاید برای غالب خوانندگان غیر قابل فهم باشد، اما برای تفصیل بیشتر به اصل مقاله به زبان عربی که بر سایت شیخ یعنی «الإسلام سؤال وجواب» موجود است، مراجعه فرمائید.



خردباخته اگر معنای کلام را دانسته بود، آن را در نوشتار خود کپی نمی‌کرد و بهتر بود که حداقل کلید رسواشدنش را به دست خصم بسپارد، نه آن‌که خود، خود را رسوا کند!

**اشکال: حالا اومدن گفتن راسل گفته فلان و بمان یک منبع بی‌درو پیکر هم داده بود که فقط به درد خود داعشی‌ها و جهاد نکاحی هاشون می‌خوره!**

در کتاب زناشویی و اخلاق از برتراند راسل در فصل فحشا آمده اخلاق جنسی منزّه از خرافات، بطور عمده عبارت از احترام بطرف مقابل و عدم تمایل به استفاده از او بعنوان #وسیلهٔ-ارضایی احساس شخصی بدون توجه به خواسته‌ای او است.

**پاسخ:** تو گویی ما با افرادی در میدان بحث و نقد در مقابل هم قرار گرفته‌ایم که نه تنها خود را در کانون خانواده گرم نکرده‌اند، بلکه از خانه‌ی دوم نیز چیزی حاصل نکرده و همراه با اوباش در کوچه‌ها نشأت یافته و بزرگ شده‌اند! این از تمام نادانی و حماقت خصم است که عجز خود در نقد را این‌گونه آشکار می‌کند و نصف سطرش انکاری مضحک و بچه‌گانه، و نصف دیگرش سب و شتم است!

در حقیقت آنچه از راسل نقل کرده، کاملاً با موضوعی که ما مطرح کرده بودیم، بی‌ارتباط است، و آنچه ما با ذکر مصدر و رفرنس آورده بودیم را با «بی‌درو و پیکر» بودنش کنار زده بود، چون پاسخش برایش نداشته و مجبور است با مغالطه‌ی «مسموم کردن چاه» خود را از شر راسل نجات دهد! موضوع مقاله‌ی ما، پاسخ به استدلال خداناباوران به حدیثی بود که در ابتداء به بیان نادرستی آن پرداختیم، و در بخش دوم در معنا و دلالتش سخن گفتیم و ثابت کردیم که «چشم‌چرانی!» که ملحدین از آن دم زده‌اند، در اسلام محل منع است، و در قسمت سوم از برتراند راسل نقل کردیم که می‌گوید: «هر روز ساعت‌ها در اشتیاق دیدن بدن جنس ماده صرف می‌شد، و عادت کرده بودم که وقتی دختران خدمت‌کار لباس می‌پوشیدند، از پنجره نگاهی به آنان بیندازم.»<sup>۱۵</sup>

بی‌درو و پیکر مطالبی است که در هر کانالی از کانال‌های خداناباوران یافت می‌شود و اگر از منبعش بپرسیم، خود را آوازه‌ی استدلالات غریب و عجیب می‌کنند! اما ما که برای مطلب مذکور مصدر دقیقی ذکر کرده‌ایم و مانند ملحدین نبوده‌ایم که از سایت‌های اینترنتی چیزی را کپی کنیم، بلکه خود به مطالعه‌ی کتب می‌پردازیم و مطالب را از آن استخراج می‌کنیم. اگرچه رسوایی نویسنده‌ی ملحد را در چند سطور ابتدایی این مقاله رقم زدیم، اما برای آن‌که بهانه‌ای باقی نگذاریم، از نسخه‌ی انگلیسی این کتاب نیز مطلب یادشده را ارائه می‌کنیم:

۱۵. اتوبیوگرافی راسل، ترجمه‌ی احمد بیرشک، خوارزمی، ص ۵۶



"Many hours every day were spent in desiring to see the female body, and I used to try to get glimpses through windows when the maids were dressing."<sup>۱۶</sup>

ترجمه: «هر روزه، ساعت‌های زیادی در تلاش برای نگاه کردن به بدن جنس زن سپری می‌شد، و تلاشم آن بود که وقتی خدمت‌کاران لباس می‌پوشیدند، از پنجره آن‌ها را دید بزنم!»

این منبع بی‌در و پیکر است، زیرا خداناباوران را از پای درآورده و نتوانسته‌اند نقدی -هرچند یک سطری- به مقاله‌ی قبلی ما داشته باشند، و تنها شب‌هات جدیدی را حمل کرده‌اند که به محل بحث بی‌ارتباط است!

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته  
تهیه شده در: «رد شب‌هات ملحدین»

---

۱۶. The Autobiography Of Bertrand Russell, Printed in the USA, P ۴۵